بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

بعد الحمد والصّلوة

مقدّمه

عصر صفویه در تاریخ تشیع، دوره‌ای برجسته و ممتاز به‌شمار می‌رود و از زاویه‌های گوناگون قابل مطالعه است. یکی از این زاویه‌ها اثرگذاری آن بر علوم اسلامی و معارف شیعی است. اگر از این نگاه به مسأله بنگریم، با سه حرکت بزرگ در حوزهٔ حدیث شیعه روبه‌رو می‌شویم:

۱. تدوین دایرة المعارفهای بزرگ حدیثی؛ مانند بحارالانوار، الوافی، وسائل الشیعة، العوالم، نورالثقلین، البرهان و....

۲. تعمیق و شرح نویسی بر کتب حدیث؛ مانند مرآة العقول (شرح کافی)، ملاذ الاخیار (شرح تهذیب الاحکام)، روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی (شرح کتاب من لایحضره الفقیه) و....

۳. تعمیم و ترجمهٔ احادیث به زبان فارسی.

حرکت اوّل در راستای حفظ میراث تشیع از نابودی و پراکندگی بود؛ چنانکه تلاش دوّم در راستای تعمیق معارف حدیثی و برای اهل فضل و صاحب‌نظران سامان گرفت و حرکت سوّم با رویکرد عمومی سازی معارف دینی به انجام رسید.

از میان عالمان برجستهٔ این عصر، علامهٔ محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در هر سه حرکت(تدوین، تعمیق و تعمیم)، سرآمد است.

۱ ـ مجلسی و دایرة المعارف حدیث شیعه

گسترده‌ترین کتاب حدیثی شیعه بحارالانوار است. این کتاب را نمی‌توان تنها یک جامع حدیثی به‌شمار آورد؛ بلکه شامل معارف جنبی دیگر نیز می‌باشد؛ مانند مباحث لغوی (که یک دورهٔ سه جلدی غریب الحدیث از آن استخراج شده)[۱] و مباحث تفسیری (که دو راهنما برای آن تدوین شده است)[۲] و مباحث فراوان کلامی و....[۳]

علامهٔ مجلسی بحارالانوار را با کمک گروهی از یاران و شاگردانش و در مدّت چهل سال تدوین کرد. از این‌رو بسی فراتر از یک مجموعهٔ حدیثی است؛ بلکه بحق دایرةالمعارف دانشهای مکتب تشیع در حوزهٔ حدیث، تفسیر، کلام و ادب است.

وی سیر رویکرد خود را به تدوین بحارالانوار و انگیزهٔ تدوینش را چنین به قلم می‌آورد:

> ... از آنجا که علم کامل را در قرآن عزیز و اخبار اهل بیت رسالت یافتم، جز قرآن و اخبار اهل بیت هر علمی را که آموخته بودم ـ اگرچه در زمان ما رواج داشت ـ ترک کردم و در عوض شروع به تفحص از اخبار ائمه طاهرین ـ سلام الله علیهم ـ نمودم و آنچه لازمهٔ بحث و دقت‌نظر در این کار بود انجام دادم تا بهره‌های فراوان بردم.
>
> پس از احاطه بر کتب متداوّل و مشهور، در اصول معتبر دور افتاده جستجو کردم که زمانهای متمادی بر آنها می‌گذشت و متروک و مهجور شده بودند. این مهجوریت یا به‌علت استیلای پادشاهان غیر شیعی و ائمه ضلال بود یا به‌سبب رواج علوم باطله بین جهّال و یا به‌واسطهٔ بی‌اعتنایی جماعتی از متاخرین.

---

۱. غریب الحدیث فی بحارالانوار در سه جلد از سوی مرکز تحقیقات دارالحدیث همزمان با کنگرهٔ بزرگداشت علامهٔ مجلسی منتشر می‌گردد.

۲. کتاب دلیل الآیات المفسرة و اسماء السور، از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی در سال ۱۴۱۲ قمری به‌چاپ رسیده. و نیز بحارالانوار فی تفسیر المأثور بالقرآن، از سوی مؤسسة الطور در سال ۱۴۱۱ قمری منتشر شده است.

۳. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، ص ۸۲ ـ ۸۶.

نظر به این جهات، مدتی با نهایت کوشش، آن اصول معتبرهٔ مهجوره را من از شرق و غرب بلاد به‌دست آوردم و در این کار، گروهی از یاران کمک می‌کردند و جهت یافتن آنها به هر سوی می‌شتافتند، تا به فضل خدا مقدار زیادی منابع معتبر، که مورداعتماد علما و مورد رجوع فضلا در اعصار گذشته بوده‌اند، نزد من جمع شد و تا آنجاکه توانایی داشتم در ترویج و تصحیح و تنسیق و تنقیح آنها کوشیدم و به‌سبب اینکه زمانه در غایت فساد است و اکثر مردم به راهی غیر راه مستقیم می‌روند و من بیم داشتم که آنچه جمع شده است باز پراکنده گردد، از این‌رو به ترتیب و نظم و جمع‌آوری آنها مشغول گردیدم و حاصل زحمات خود را در کتابی گرد آوردم که درمیان مؤلفات و مصنفات قوم، بی‌مثل و مانند است و فواید تازهٔ این کتاب آن است که آنچه را اصحاب ما ـ رضوان الله علیهم ـ در مؤلفات خود اهمال کرده‌اند، من جبران کردم و در نتیجه مشتمل بر انواع علوم و حکمتها و اسرار است و از جمیع کتب اخبار، خواننده را بی‌نیاز کرده است.[1]

خلاصه می‌توان گفت مجلسی با تدوین بحارالانوار، کتابی مرجع برای مکتب تشیع فراهم ساخت که تا روز رستاخیز، چشمه‌ای جوشان خواهد ماند.

۲ ـ شرح نویسی بر کتب حدیث

علامهٔ مجلسی در کنار تدوین بحارالانوار و با استفاده از آن احاطهٔ علمی، به تبیین دشواریهای احادیث و اسرار و رموز آن رو کرد؛ چنانکه از ارزیابی اسناد و اثبات صدور نیز فروگذار نکرد. وی بجز توضیح و تبیینهایی که در جای جای بحارالانوار دارد، به ترویج سنّت حسنه‌ای همت گماشت که پیش از آن تا اندازه‌ای نضج داشت. وی شرح کافی شریف را به نام مرآة العقول در بیست و شش جلد و شرح تهذیب الاحکام را به نام ملاذ الاخیار در شانزده جلد تحریر کرد. بجز آن از شرح صحیفهٔ

---

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲ (گزینش و ترجمه).

سجادیه و اربعین حدیث نیز می‌توان یاد کرد. او این شروح را برای صاحب‌نظران و اهل فضل نگاشته است؛ چنانکه در مقدمه مرآة العقول می‌نویسد:

> در گذشته به هنگام گفتگو با پژوهشگران یادداشتهایی به کتب روایی داشتم. ترسیدم این تعلیقه‌ها از میان رود، لذا با داشتن گرفتاریها شروع به گردآوری آن نموده و از کافی آغاز کردم که بهترین اثر شیعیان است. در این شرح، سند اخبار را به‌عنوان پایه بر رسیدم و مشکلات واژه‌ها و مطالب پنهان و نهفته را برای اهل دقت به شرح نشستم.[۱]

و در مقدمهٔ شرح تهذیب نوشته است:

> تعلیقه‌هایی بر مطالب دشوار و دیریاب تهذیب نگاشتم و حاشیه‌هایی به‌رشته تحریر درآوردم که پرده‌های تردید را بزداید و دانش پژوهان در هر سطحی از آن بهره برند و روشنگریهایی که به ذهنم خطور کرد یا از اساتید سود جستم...[۲]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳. ترجمهٔ حدیث

سوّمین عرصه‌ای که مجلسی در آن پیشتاز و نامور است، برگردان احادیث و معارف روایی به فارسی ساده و عوام فهم است. آثار فارسی علامهٔ مجلسی به زبان فارسی بیش از شصت کتاب و رساله است که اینها یا مستقیماً ترجمه حدیث است و یا تبیین معارف حدیثی.[۳]

توحید امام رضا(ع)، توحید مفضل، دعای جوشن صغیر، دعای سمات، دعای کمیل، دعای مباهله، زیارت جامعه، نامهٔ امام علی به مالک‌اشتر، حدیث ستة اشیاء، حدیث رجاء بن ابی ضحاک و حدیث عبدالله بن جندب از گونهٔ نخست و

---

۱. مرآة العقول، ج ۲، ص ۵۱۲.

۲. ملاذ الاخیار، ج ۱، ص ۴.

۳. نگاه کنید به: بحارالانوار، ج ۱، ص ۴۶ ـ ۴۸؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۷۹ ـ ۸۳؛ علامهٔ مجلسی و آثار فارسی او، ص ۵۶ ـ ۵۹.

کتابهای حق الیقین، جلاءالعیون، حلیة المتقین، حیات القلوب، عین الحیاة و.... از نوع دوّم است.

این حجم از فارسی نویسی، او را پایه‌گذار و صاحب مکتب کرده است. صاحب روضات الجنات، مجلسی را پایه گذار ترجمهٔ حدیث به فارسی روان و قابل استفاده دانسته[۱] و محمدتقی بهار دربارهٔ فارسی نویسی علامهٔ مجلسی چنین نظر داده است:

> نثرهای علمی این دوره، آنچه مربوط به نشر دعوت و بیان اصول عقاید شیعه است، بسیار ساده و عوام فهم و کاملاً در زیر تأثیر صرف و نحو عربی است و بیش از هرکس، مجلسی پدر و پسر ـ مخصوصاً مجلسی دوّم ـ در این راه خدمت کرده است و به وحدت ملّی ایران، از حیث اخلاق و تربیت و افکار و فرهنگ، با نهایت عشق و خلوص، مثل بزرگترین رجال ادب و سیاست، مساعدت و یاری نموده است.[۲]

و نیز می‌گوید:

> مهمترین کاری که مجلسی کرده است، بعد از تألیف مجلدات بحار الانوار ـ که دایرة المعارف شیعه امامیه اثناعشریة است ـ تألیف مجموع کتب دینی و اخلاقی شیعه است به فارسی ساده عوام فهم که تا آن روز، اهل علم چنان کاری نکرده بودند و غالب تألیفات علما، خاصه علمای دین به زبان تازی بود و احترام مقام علم را در نزدیک شدن به سطح فکر و فهم عوام نمی‌دانستند؛ بل آن را مغایر عظمت جایگاه دانش می‌شمردند.[۳]

علامهٔ مجلسی خود بر انگیزهٔ عمومی سازی معارف دینی و حدیثی در آغاز نوشته‌هایش تأکید می‌ورزد؛ چنانکه در مقدمهٔ حلیة المتقین نوشته است:

---

۱. روضات الجنات، ج۲، ص۷۸ و ۸۶.
۲. سبک شناسی، ج۳، ص۳۰۵.
۳. همان، ص۳۰۴.

و چون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده بود، جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج متابعت اهل بیت رسالت(ع) از این ذرهٔ حقیر التماس نمودند که رساله‌ای در بیان محاسن آداب که از طریقهٔ مستقیمهٔ ائمهٔ طاهرین(ع) به اسانید معتبره به این قلیل البضاعه رسیده باشد، بر وجه اختصار تحریر نماید و به جهت عموم نفع نسبت به اهل این دیار، مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم به جلوه درآورد. لهذا با کثرت اشتغال و ضیق مجال، رعایت حقوق اخوّت ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث **الدّالُ عَلَی الْخَیْرِ کَفاعِلِه** امیدوار گردیده، اجابت ملتمس نموده...[۱]

و در مقدمهٔ کتاب حیاة القلوب می‌نویسد:

... و عمدهٔ احادیث و آثار ایشان را، که بعد از تتبع بسیار به‌دست آمده بود، در کتاب بحارالانوار جمع نمودم. در این ولا جمعی از برادران ایمانی و دوستان روحانی از این قلیل البضاعه استدعا نمودند که آنچه از آن کتاب جامع الابواب متعلق به تواریخ، احوال و معجزات و مکارم اخلاق و محاسن صفات و احوال و غزوات حضرت سیدالبشر(ص) و دلایل امامت و خلافت و اطوار حمیده و آداب پسندیدهٔ حضرات ائمهٔ اثنا عشر و حضرت فاطمهٔ زهرا ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ بوده باشد به لغت فارسی ترجمه نمایم، تا جمیع طوایف الانام، سیّما جمعی از عوام که از فهم لغت عربی عاجزند، از آن بهره‌مند گردند.[۲]

و در آغاز کتاب جلاء العیون می‌نگارد:

... و این شکسته در کتاب بحارالانوار، آنچه را که متعلق به احوال شریفهٔ ایشان است در چندین مجلد، استیفا کرده‌ام و در کتاب

---

۱. حلیة المتقین، ص۳ ـ ۴.

۲. حیاة القلوب، ج۱، ص۲۹ (انتشارات سرور).

حیاة القلوب نیز اکثر آنها بر وجه اختصار مذکور شده است و چون از کتاب اوّل، عوام را چندان انتفاعی نیست و تحصیل کتاب دوّم بر اکثر مردم متعسر است، لهذا این قلیل البضاعه را با اختلال احوال و وفور اشتغال و هجوم هموم و آلام وطریان عوارض و اسقام به‌خاطر فاتر رسید که کتاب وجیزی در این باب به لغت فارسی تألیف نماید که مقصور بر ذکر ولادت و شهادت حضرت سیدالمرسلین و ائمه طاهرین ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ بوده باشد و بر وجهی نوشته شود که همهٔ خلق را از آن بهره‌ای بوده باشد و به ترجمهٔ الفاظ روایات معتبره اقتصار نموده مقید به حسن عبارات و تنوّع استعارات نگردد.[۱]

همین انگیزه در ترجمه‌های دیگر ایشان نیز بیان شده است.[۲]

بر این اساس بحق می‌توان مجلسی را پرکارترین عالم شیعی به‌حساب آورد که با تألیف بیش از هفتاد اثر در بیش از دویست مجلد توانست قریب یک میلیون و دویست و دوهزار و هفتصد سطر بنگارد که اگر بر عمر هفتاد و سه ساله‌اش تقسیم شود، در هر سال، ۱۹۱۲۵ سطر نگاشته است[۳] و این همه در کنار سایر خدمات فرهنگی، اجتماعی و منصبهای رسمی‌اش بود.

تنوع و کثرت نوشته‌های مجلسی را می‌توان از کتابشناسیهایی که برای معرفی آثارش فراهم آمده، گمانه زد:

۱. فهرست تصنیفات و تألیفات مولانا آخوند محمدباقر مجلسی
محمدحسین بن محمد صالح الحسینی

۲. نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علامهٔ مجلسی محمود مهدوی دامغانی

۳. کتابشناسی مجلسی حسین درگاهی ـ علی‌اکبر تلافی داریانی

۴. کتابشناسی تألیفات علامهٔ مجلسی ناصرالدین انصاری قمی

---

۱. جلاءالعیون، ص ۳، (کتابفروشی اسلامیه).

۲. علامهٔ مجلسی و آثار فارسی او، ص۳۲۸، ۳۳۴، ۳۶۰.

۳. سبک شناسی، ج۳، ص۳۰۶.

۵. علامهٔ مجلسی و آثار فارسی او — مهین پناهی

۶. کتابشناسی بحارالانوار — ناصرالدین انصاری قمی

و این بجز معرفیهایی است که در ضمن کتب تراجم و شرح حال آمده است. همین تنوع و گستردگی سبب شد که از دیرباز، عالمان و فرزانگان به تحلیل، شرح، تلخیص و نقد آثار او به‌پردازند.

پس از علامهٔ مجلسی، این توجه و اهتمام به وضوح روشن است. خواهر زادهٔ او در ۱۱۲۳قمری، مختصر جلاءالعیون را نگاشت.[۱] در ۱۱۲۷قمری ـ یعنی هفده سال پس از وفات مجلسی ـ سید محمد بن احمد بن حسین لاهیجی فهرست الکتب المأخوذ منها البحار را تألیف کرد. همچنین نخستین ترجمه از جلد اوّل بحارالانوار، در ۱۱۹۱ قمری انجام شد.[۲]

این اهتمام، با گذشت زمان بیشتر گشت تا آنجاکه نسبت به بحارالانوار بیش از ۱۱۴کار ـ اعم از ترجمه، تلخیص، تعلیقه، معجم و... ـ تاکنون به ثمر رسیده است.[۳] در نیم قرن گذشته نیز اهتمام جدی از سوی پژوهشگران دانشگاهی و حوزوی به شخصیت علامهٔ مجلسی به چشم می‌خورد؛ از تحلیل سبک شناسی فارسی توسط ملک الشعرای بهار گرفته تا تجزیه و تحلیل رسالهٔ موش وگربه توسط مجتبی مینوی تا تحلیل افکار و اندیشه‌ها و....

اینک که یونسکو سال ۱۹۹۹ میلادی را به پاس تقدیر از تدوین بحارالانوار، سال مجلسی اعلام کرده و در آستانهٔ برپایی کنگره بزرگداشت وی قرار داریم، به‌نظر رسید که گردآوری مقالات چاپ شده در نشریات علمی و نیز اقتباس از برخی کتابها و عرضهٔ آن در مجموعه‌ای، کتابی مرجع در باب مجلسی شناسی پیشکش اهل فضل و معرفت خواهد بود.

این گردآوری، بیشتر به انگیزهٔ نشان دادن اهتمام مجامع علمی، حوزوی و

---

۱. کتابشناسی تألیفات علامهٔ مجلسی، مشکوة، شمارهٔ ۲۹ (زمستان ۱۳۶۹)، ص۱۶۸.

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج۳، ص۱۸.

۳. مجلهٔ مشکوة، ش۲۹، ص۱۵۹، کتابشناسی تألیفات علامهٔ مجلسی؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، ج۱۱، ص۱۰۵.

دانشگاهی به شخصیت مجلسی صورت یافت. در این مجموعه، که در دو دفتر عرضه می‌شود، سی و یک مقاله کوتاه و بلند فراهم شد و در پنج حوزه تنظیم گردید:

۱. احوال
۲. افکار
۳. آثار
۴. خاورشناسان و علامهٔ مجلسی
۵. خدمات علمی و فرهنگی

در بخش یک که به شرح حال اختصاص دارد، چهار مقاله آمده است: شرح حال علامهٔ مجلسی، شرح زندگانی علامهٔ کبیر محمدباقر مجلسی، همدم مردم و کتابنامهٔ منابع شرح حال علامهٔ مجلسی.

در بخش دو، چهار مقاله قرار دارد: در مقاله نخست، عصارهٔ دیدگاههای علامهٔ مجلسی به‌عنوان محدث، پیرامون دین و عقل در مقایسه با دیدگاههای علامهٔ طباطبایی به‌عنوان حکیم، ارائه گشته و سپس نقدی بر این مقاله و پس از آن نقد و جوابی دیگر آمده است.

در قسمت یکم از بخش سه، سه مقاله که به معرفی آثار مجلسی اختصاص دارد، آورده شده است: تصنیفات و تألیفات مولانا محمدباقر مجلسی، نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علامه و کتابشناسی تألیفات علامهٔ مجلسی.

در قسمت دوّم، سیزده مقاله جای دارد که دوازده عنوان آن پیرامون بحارالانوار است: بحارالانوار چیست، [محتوای] بحارالانوار، بحارالانوار در دایرة المعارف تشیع، نقد بحارالانوار در دایرة المعارف تشیّع، بحار الانوار مجلسی و نقل احادیث و اخبار، بحارالانوار دایرة المعارف شیعه، تعلیقات علامهٔ طباطبایی بر بحارالانوار، امام سجاد و داستان حرّه در بحارالانوار، تصحیح و نشر مآخذ بحارالانوار، ترجمه و تلخیص مقدمهٔ بحارالانوار و کتابشناسی بحارالانوار و یک مقاله با عنوان موش و گربه که به بررسی رساله‌ای منسوب به علامهٔ مجلسی[1] با همین عنوان اختصاص دارد.

سوّمین قسمت بخش سه را دو نوشتهٔ کوتاه در معرفی سبک شناسی آثار

---

۱. کتابشناسی مجلسی، ص ۲۱۱ ـ ۲۱۲؛ علامهٔ مجلسی و آثار فارسی او، ص ۵۹.

فارسی مجلسی با این عناوین تشکیل می‌دهد: مولی محمدباقر مجلسی و مجلسی ره.

بخش چهار به تبیین و نقد دیدگاه خاورشناسان نسبت به مجلسی اختصاص دارد و دارای دو مقاله است: مستشرقان و علامهٔ مجلسی و مجلسی از دیدگاه مستشرقان و خاورشناسان. پایان‌بخش این مجموعه سه مقاله در معرفی خدمات علمی و فرهنگی مجلسی است: نقش اصلاحی مجلسی و عالمان شیعه، رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفوی و علامهٔ مجلسی و گسترش حوزهٔ علمیهٔ شیعه.

در پایان، یادآوری چند نکته در باب گردآوری مقالات، ضروری است.

۱. پاره‌ای اصلاحات ویرایشی و نیز یکسان سازی ارجاعات در مقالات انجام گرفته، امّا هیچ تصرّفی در آنها نشده است.

۲. در ترتیب مقالات، در حد امکان ترتیب زمانی تألیف، منظور شده است.

۳. در آغاز هر مقاله، مأخذ آن مشخص شده است.

۴. محتوای مقالات، دیدگاه نویسندگان را نشان می‌دهد و مسؤولیت آن برعهدهٔ آنان است.

گمان نمی‌کنیم که بر اثر محدودیّت زمان برای تهیهٔ این مجموعه، احتمالاً سهو و خطاهایی بدان راه یافته یا مقالاتی از قلم افتاده‌اند. ارباب معرفت و نظر بر ما به دیدهٔ اغماض می‌نگرند و برای تکمیل این مجموعه در چاپهای بعد، مساعدت خواهند داشت.

مهدی مهریزی